

مشارکت اجتماعی زنان در دوره مشروطه

اکرم شایگانی



تا قبل از دوران قاجاریه از حرکت جمعی زنان و نقش آنها در تحولات اجتماعی - سیاسی اطلاعات مورد استنادی وجود ندارد. چند موردی که در کتابهای تاریخی آمده است، مربوط به نقش آنها در حمایت از سربازان در جنگ با دشمنان است. برای مثال، در جنگهای طولانی ایران و عثمانی در زمان صفویه، زنان آذربایجان لباس جنگ پوشیده و وارد میدان می‌شدند. همین که قشون عثمانی به شهر حمله می‌آوردند، زنانی که در شهر مانده بودند از بالای بام بر سر آنها آب جوش می‌ریختند (صابری شمیرانی، مشارکت سیاسی زنان در ایران).

در دوران قاجاریه، آغاز حرکت جمعی و مشارکت زنان را باید به دو دوره تقسیم کرد. نخست دوره‌ای که زنان به علل نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی ناشی از ضعف دولت در برابر دولت‌های استعمارگر خارجی و حکومت استبدادی داخلی به دنبال مردان و به هدایت و تشویق و تأیید آنها به نهضت‌های اجتماعی پیوستند و به طور مؤثری در این راه کوشیدند. آنها در این راه، از هدف‌های مردان پشتیبانی می‌کردند و خواسته‌های مشخص نداشتند (مانند نهضت تنباکو و نهضت مشروطیت)

در دومین دوره، زنان به فعالیت جداگانه در زمینه مسائل خاص خود پرداختند که حاکی از تحول و پیشرفت این حرکت است و نشان می‌دهد که زنان در این مرحله آگاهی بیشتری یافته و به عنوان یک گروه اجتماعی مؤثر فعالیت می‌کنند. اما حرکت اخیر، برخلاف گذشته، از تأیید و همراهی کامل مردان برخوردار نبود و مخالفان با این گونه فعالیت‌های زنان دست به دشمنی زده و این حرکت را گاه دچار مشکل می‌کردند. البته، این مخالفتها اصولاً به این سبب بوده که حرکت زنان را بدعت می‌دانستند. در واقع، جامعه پذیرای چنین جهشی نبود، (مانند تشکیل مدارس، چاپ روزنامه) (منصوره اتحادیه، بیداری زنان: تاریخچه مشارکت زنان در نهضت مشروطیت، مجموعه مقالات اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان).

نخستین حرکت ملی در دوره معاصر پس از شکست ایران در جنگها با روس، جنبش خود جوش مردم تهران در دفاع از زنان گرجی مسلمان

شده‌ای بود که سفیر خودخواه و مستبد روس با سماجت هرچه تمامتر می‌خواست با تفسیر یکی از مواد معاهده ترکمانچای آنها را از شوهران و فرزندان خود جدا کرده و با تغییر مجدد مذهب روانه گرجستان سازد. این عمل نزد مسلمانان نوعی تجاوز به ناموس ملی و مذهبی بود و به همین دلیل، مورد اعتراض مردم قرار گرفت. زنان تهران در این روز شور و حرارت زیادی از خود نشان دادند و تا آخرین دقیقه‌ای که هیاهوی مردم در خراب کردن سفارت روس و کشت و کشتار ادامه داشت آنها نیز از پای ننشستند.

در تظاهرات دیگری که مردم تهران در دفاع از امیر کبیر برپا ساختند، زنان شرکت فعالی داشتند. درخشان‌تر از هر دو واقعه یاد شده، اتحاد و همبستگی‌شان در جنبش تحریم تنباکو بود. در اواخر سلطنت نیم قرن ناصرالدین شاه که امتیازات فراوانی به خارجی‌ان داده شد، توتون و تنباکو در انحصار یک کمپانی بیگانه درآمد. مردم و حتی زنان دربار، در این جهاد ملی به دستور پیشوای مذهبی خود، مرحوم میرزای شیرازی، شرکت کردند. زنان حرم هم قلیانها را شکستند و در مقابل اوامر صریح و قدرت مطلق ولی نعمت خود مقاومت کردند. این پافشاری بجایی رسید که دولت ناچار امتیاز توتون و تنباکو را لغو کرد (بدر الملوک بامداد، زن ایرانی از مشروطیت تا انقلاب سفید).

همچنین قبل از مشروطه وقایعی (مانند قحطی یا نارضایتی‌های ناشی از گرانی) رخ داد که تظاهراتی را از سوی زنان با تشویق مردان، در پی‌داشت. آنچه در آن زمان تازه به نظر می‌رسید آن بود که زنان در آن فضای انقلابی در تظاهرات سیاسی شرکت می‌کردند.

زنان ایران در نهضت مشروطیت که جامعه ایران را تکان داد، تنها و بی‌اعتنا و منفعل نبودند، بلکه همانند مردان به جنب و جوش درآمدند، به طوری که باید گفت از این تاریخ بیداری واقعی زنان آغاز شد.



به گفته محققان، جنبش زنان در ایران با انقلاب مشروطه آغاز و اوج می‌گیرد. در دوره قبل از مشروطه هیچ حقی برای زنان وجود نداشته، ازدواج کودکان و ازدواج‌های اجباری بسیار رایج بود. شوهر می‌توانست هر موقع بخواهد همسرش را طلاق دهد، زنان حق رأی نداشتند و نمی‌توانستند هیچ منصب سیاسی اختیار کنند. در عرف عمومی

سوادآموزی زنان برخلاف حکم صریح اسلام و خطری برای جامعه بود. بدین ترتیب تا سال ۱۳۰۴ تنها ۳ درصد از کل زنان ایران با سواد بودند.

سازمان‌های زنان در دوره مشروطه

سابقه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران نیز به اواخر دوره قاجاریه و انقلاب مشروطه باز می‌گردد. بحران‌های اجتماعی حاصل از تشتت سیاسی و جنگ جهانی اول مانند بیماری‌های اپیدمیک، قحطی و بیکاری باعث می‌شد تا زنان به صورت گروهی درصدد رفع مشکلات برآیند و مؤسسات خیریه را تأسیس نمایند. از جمله می‌توان «مؤسسه خیریه ائمه (س)» و «انجمن خیریه بانوان آرامنه» اشاره نمود که حدود ۱۰۰ سال پیش تأسیس شده‌اند. از جمله مشکلات دیگر آن زمان مسئله آموزش و تأسیس مدارس دخترانه بود که زنان مجبور بودند جلسات آموزش و تشکل‌ها را به صورت مخفیانه در منازل خود برگزار نمایند در دوران انقلاب مشروطه نیز زنان دارای تشکل مستقل سیاسی به نام «اتحادیه غیبی زنان» و یک تشکل اجتماعی به نام «انجمن مضررات وطن، انجمن نسوان ایران» بودند. هر چند در نظام بسته و مردسالارانه دوره قاجاریه و عرف جامعه آن روزگار زمینه پذیرش زنان در اجتماع را محدود می‌نمود اما در دوره احمدشاه دولت مجبور به تأسیس «اداره معارف نسوان» شد تا به امور آنان رسیدگی نماید در همین زمان حضور و عضویت بانو صفیه یزدی در مقام مجتهد در هیأت نظارت بر قانون اساسی بسیار حائز اهمیت بوده است (مریم فرهمند، سازمان‌های غیر دولتی زنان)

زنان و انقلاب مشروطیت

در اوایل انقلاب مشروطه یعنی در اواخر دهه ۱۲۷۰ و اوایل دهه ۱۲۸۰ زنان فعال غالباً متأثر از رهبران مذهبی بودند. بعدها به ویژه پس از سال ۱۲۸۵ حرکت زنان محسوس‌تر و مستقل‌تر شد. زنان انجمن‌ها و دوره‌های خاص خود را برپا کردند. این نوع روابط و دوره جمع شدن‌های رسمی و غیررسمی زنان را به تدریج نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان آگاه می‌کرد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان ایرانی شرکت‌کننده در مراحل نخست جنبش زنان از کسانی بودند که خانواده‌های شان جزء روشنفکران ملی‌گرا محسوب می‌گردند. برای نمونه صدیقه دولت‌آبادی نخستین مدیر مسئول نشریه‌ای زنانه، یعنی (زبان زنان) خود یکی از اعضای بنیانگذار انجمن مخدرات وطن بود که از سال ۱۲۹۰ تأسیس شد. بانو امیر صحنی ماه سلطان یکی دیگر از فعالان به ویژه در عرصه سوادآموزشی زنان بود. وی همچنین از اعضای

انجمن مخدرات وطن بود همچنین محترم اسکندری، سازمان اصلی جمعیت نسوان وطن خواه، در خانواده‌ای مشروطه طلب بزرگ شده بود (منصوره اتحادیه، همان).

ویژگی‌های مشارکت زنان در دوره مشروطه

شماری از مردان و زنان در نقاط مختلف کشور نارضایتی عمومی‌شان را نسبت به شرایط نابسامان زنان ابراز کردند و اشعار و نوشته‌های تعدادی از فعالان زن آن دوره به روشنی بیانگر عدم رضایت‌شان نسبت به تصویر زن در جامعه است.

فعالیت‌های مستمر با وجود مخالفت‌های بسیار از فعالیت‌های مربوط به حقوق زنان در آن دوره به سه شکل در شهرها انجام گرفته است:

۱- انتشار نشریات زنان (همانند دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان، عالم نسوان، جهان زنان)

۲- شکل دهی سازمان‌های زنانه (برای مثال انجمن حسرت زنان، انجم مخدرات وطن، جمعیت پیک سعادت با جمع انقلابی نسوان ...)

۳- گشایش مدارس دختران

جنبش زنان ایران در دهه ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ با هدف ارتقای سواد زنان دست به کار شد. فعالان ایرانی بر ضرورت تحصیل زنان متمرکز شدند. نشریات آن‌ها پیوسته بر اهمیت سوادآموزی زنان تأکید می‌کردند. این جنبش با ویژگی غیر طبقاتی خود معتقد بود که تحقیقات سبب می‌شود زنان از باورهای خرافی دست بردارند زیرا تحصیل دانش به آنان توان و قدرتی می‌بخشد تا بتوانند از رسم و رسومات اجتماعی که فرودستی آنان را تثبیت می‌کند سرباز زنند.

ضعف اصلی جنبش زنان در ایران این بود که زنان فعال در این جنبش، انرژی و وقت بسیاری را صرف اعتراض می‌کردند در حالی که برای گسترش و سازمان‌دهی فعالیت‌هایشان در سطح جامعه وقت کمی می‌گذاشتند. ایجاد تغییر در تصویری که زن در جامعه وجود دارد درازمدت است و این تغییر به ایجاد شبکه‌ای در سطح ملی برای فعالیت و ایجاد ارتباط نیاز دارد تنها راه گسترش جنبش از طریق سیستم عملکرد منسجم و مبتنی بر واقعیت‌های موجود امکان‌پذیر است.

تاریخ نگاری جنبش زنان در دوره مشروطه

۱. سال ۱۳۱۲ هجری قمری عده‌ای از زنان با تجمع در صحن حرم حضرت عبدالعظیم به گرانی نان و گوشت اعتراض کردند.

۲. اولین مدرسه دخترانه ایران سال ۱۳۲۴ هجری قمری توسط بی‌بی خانم استرآبادی تأسیس می‌شود. (بی بی خانم در عین حال به تحقیق عمران صلاحی اولین زن طنزنویس ایرانی هم است.)

۳. بهار سال ۱۳۶۶ هجری قمری انجمن نسوان، لایحه‌ای به یکی از وکلای مجلس شورای ملی تقدیم می‌کند که در آن تقاضا می‌شود که تجمعات زنان به رسمیت شناخته شود. مجلس حق تجمع آنان را می‌پذیرد اما از آنها به طور علنی حمایت نمی‌کند.

۴. سال ۱۲۸۵ هجری شمسی تعدادی از زنان، کفن پوشیده و ضمن سینه‌زنی و نوحه‌سرایی بازارها را تعطیل کردند. این حرکت به پشتیبانی از علما برای بست نشستن در قم و اعتراض به دولت انجام شد.

۵. دی ماه ۱۲۸۶ هجری شمسی میتینگی از زنان در تهران تشکیل شد که در آن ۱۰ ماده از خواسته‌های زنان به تصویب رسید، از جمله این خواسته‌ها تأسیس مدارس دخترانه بود.

۶. انجمن حریت زنان در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به همت صدیقه دولت‌آبادی، میرزاباجی خانم، نواب سمیعی، منیره خانم و گلین خانم موافق تشکیل شد. دختران ناصرالدین شاه افتخارالسلطنه و تاج السلطنه نیز از اعضا این انجمن بودند. در این انجمن برخلاف انجمنهای مشابه، مردان فقط به اتفاق همسر یا دختر خود اجازه شرکت در جلسات را داشتند. صدیقه دولت‌آبادی چندبار به خاطر فعالیت‌هایش دستگیر شد که یکبار هنگام دستگیری وی، رئیس نظمیه گفت: «خانم شما صد سال زود به دنیا آمده‌ای» صدیقه دولت‌آبادی در پاسخ گفت: «آقا من صد سال دیر متولد شده‌ام اگر زودتر به دنیا آمده بودم نمی‌گذاشتم زنان چنین خوار و خفیف و در زنجیر شما اسیر باشند».

۷. در سال ۱۳۲۸ هجری قمری انجمن مخدرات وطن از اولین انجمنهای زنان به همت بانو آغابگم دختر شیخ هادی نجم‌آبادی تأسیس شد. صدیقه دولت‌آبادی و تنی چند عضو این انجمن بودند.

۸. سال ۱۳۲۹ هجری قمری از طرف انجمن مخدرات وطن تظاهرات بزرگی در اعتراض به اولتیماتوم دوم روسها در مقابل مجلس شورای ملی برپا شد. در این گردهمایی هزاران زن بر روی چادر کفن سفید پوشیده بودند که روی کفن جمله یا مرگ یا استقلال نوشته شده بود.

۹. در سال ۱۲۹۷ شمسی برای اولین بار در ایران اداره تعلیمات نسوان تاسیس شد و از پی آن مدارس دولتی برای زنان آغاز به کار کرد.

۱۰. فروردین سال ۱۳۰۱ شمسی، صدیقه دولت آبادی به آلمان رفت و در کنگره بین المللی زنان در برلین شرکت کرد. او اولین زنی است که به نمایندگی از زنان ایران در یک کنگره بین المللی شرکت کرد.

۱۱. در ۱۸ اسفند ۱۳۰۱ شمسی، انجمن پیک سعادت نسوان در انزلی برای اولین بار روز جهانی زن را برگزار کرد.

۱۲. جمعیت نسوان وطن خواه در سال ۱۳۰۲ شمسی توسط گروهی از بانوان تشکیل شد که اولین قدم آن تاسیس کلاس اکابر برای زنان بود. یکی از شروطی که دولت برای برگزاری این کلاس قرار داده بود این بود که زنان باید متعهد شوند هنگام نوشتن نامه اسرار خانوادگی خود را برملا نسازند.